

رابطه ی بی طرفی و منصفانه بودن دادرسی با احقاق حقوق و گفتمان شهروندی

شهرام روشندل

مدرس دانشگاه، پژوهشگر دکترای تخصصی حقوق جزا و جرم شناسی، عضو رسمی مرکز وکلا، کارشناسان و مشاوران خانواده قوه قضاییه

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه ی بی طرفی و منصفانه بودن دادرسی با احقاق حقوق و گفتمان شهروندی می باشد در این راستا و برای فراهم نمودن امنیت حقوقی و قضایی و نهادینه کردن حقوق شهروندان، در سال‌های اخیر گام‌های مهمی برداشته شده است. حقوق و گفتمان شهروندی که عمدتاً از ضروریات جامعه بشری است و همه حکومتها سعی در رعایت آن دارند، شاخص مهمی در تحقیقات مقدماتی محسوب می شود که نیازمند دقت و توجه لازم دستاوردکاران قضایی به ویژه در مرحله دادرسی می باشد. فردی که متهم به ارتکاب جرمی می شود نیازمند برخورداری از حقوقی است که یک شهروند در حالت عادی از آن بهره مند می باشد. پیش‌بینی قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق و گفتمان شهروندی به همراه قانون برنامه چهارم و پیش‌بینی توسعه قضایی در این قانون و تصویب قانون آیین دادرسی کیفری از اقدامات شایسته‌ای است که در این خصوص قابل ذکر هستند، در این قوانین با مد نظر قرار گرفتن کرامت انسانی، از یک طرف به حقوق مظنون، متهم و مجرم تأکید شده و از سوی دیگر به حقوق بزه‌دیده و شهود در نزد دستگاه عدالت کیفری و کارگزاران آن اشاره گردیده است که در دادرسی‌های عادلانه به‌عنوان حقوق و گفتمان شهروندی و قضایی این افراد به شمار می‌آیند. یکی از مؤلفه های دادرسی عادلانه و شرط لازم تحقق آن در فرایند های حقوق و گفتمان شهروندی بی طرفی در اصل دادرسی است. این اصل افزون بر بُعد غیرحقوقی، دارای بُعد حقوقی و کیفری است. از لحاظ کیفری، این اصل در قالب وضع قانون ماهوی و شکلی از سوی قانون نگذار و نیز فرایند عملی دادرسی کیفری از سوی دادرس و اشخاص دخیل در پرونده درخور بحث و بررسی است. یکی از بعدهای بی طرفی در دادرسی کیفری بُعد قانو نگذارانه است که در قانون دادرسی ریشه داشته و تجلیگاه آن وضعیت حقوق دادرسی مقرر برای طرفهای دعوا (جامعه و متهم) در قوانین آیین دادرسی کیفری است. بُعد دیگر بُعد قضائی است که به مرحله قضا و فرایند عملی دادرسی کیفری مربوط بوده و تجلیگاه آن افزون بر رفتار و گفتار دادرس، اظهارات دستاوردکاران دادرسی کیفری فراسوی طرفهای دعواست که معمولاً با نظر یا اظهار خود در تصمیم قضائی مؤثر واقع می شوند. دادرسی بی طرفانه با بی طرفانه بودن نظام دادرسی که از اجزاء آن بی طرفی دادرس است، تحقق می یابد و از جمله حق های مشترک

مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه

Online ISSN: ۲۴۷۶-۴۴۶۹

دوره ۸، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۱

Print ISSN: ۲۰۳۸-۲۰۳۹

صفحات ۶۲۵-۶۳۷

www.irijournals.com

دادرسی طرفهای دعوای کیفری در حوزه دادرسی است. دادرسی کیفری باید هم واقعاً و هم ظاهراً بی طرفانه باشد. در نتیجه باید گفت دادرسی بی طرفانه در تامین حقوق و گفتمان شهروندی نقش اساسی مهمی دارد.

واژه‌های کلیدی: دادرسی بی طرفانه، تامین حقوق و گفتمان شهروندی، دادرسی، دادرسی عادلانه

مقدمه

توازن میان قدرت حاکمیت و آزادی های فردی مستلزم آن است که از کی سو حکومت برای اجرای حقوق کیفری، پیگرد و مجازات مجرمان قدرت کافی داشته باشد و از سوی دیگر، محدودیتهایی بر قدرت حاکمیت وارد شود تا مأموران حکومت نتوانند آزادی و حریم خصوصی و اموال مردم را تهدید کنند. همان گونه که اگر شهروندان کنترل نشوند مرتکب جرم می شوند، مأموران حکومت نیز در صورت کنترل نشدن از قدرت خود سوءاستفاده می کنند. لازمه این تعادل و توازن در رسیدگی های کیفری، عادلانه بودن دادرسی کیفری است. (ناجی، ۱۳۸۵: ۲۹-۳۰)

با گسترش دموکراسی در کشورها، حکومت ها دیگر نمیتوانند مانند پیش در زندگی بشر مداخله خودسرانه داشته باشند یا حتی با سوءاستفاده از قدرت، با وضع قوانین دادرسی تبعی ضامیز در مقام توجیه اقدام های خود برآیند. امروزه، به تبع تحول مفهوم حاکمیت سیاسی کشورها، دادرسی کیفری نیز مفهوم و ویژگیهای نوین یافته و در جهت عادلانه شدن و دور شدن از هدف انحصاری اثبات هر چند صوری محکومیت از پیش فرض شده متهم فرضی و تأمین نظر دولتمردان قدم برمی دارد.

همه انسان ها حق دارند حیثیت شان به عنوان موجوداتی که فی نفسه- و نه به خاطر عوامل دیگر- از ارزش ذاتی برخوردارند محترم شمرده شود و از آنجا که همه انسان ها به صورت برابر از حیثیت ذاتی و انسانی برخوردارند، پس بصورت برابر و فقط به دلیل انسان بودنشان از حق هایی که لازمه محترم شمردن آنها به عنوان غایت ذاتی است، بهره مند هستند. (همان: ۳۰)

در این راستا و برای فراهم نمودن امنیت حقوقی و قضایی و نهادینه کردن حقوق شهروندان، در سال های اخیر گام های مهمی برداشته شده است. پیش بینی قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق و گفتمان شهروندی به همراه قانون برنامه چهارم و پیش بینی توسعه قضایی در این قانون و تصویب قانون آیین دادرسی کیفری از اقدامات شایسته ای است که در این خصوص قابل ذکر هستند، در این قوانین با مد نظر قرار گرفتن کرامت انسانی، از یک طرف به حقوق مظنون، متهم و مجرم تأکید شده و از سوی دیگر به حقوق بزه دیده و شهود در نزد دستگاه عدالت کیفری و کارگزاران آن اشاره گردیده است که در دادرسی های عادلانه به عنوان حقوق و گفتمان شهروندی و قضایی این افراد به شمار می آیند.

رعایت حق دادخواهی شهروندان در تمامی دعاوی اعم از حقوقی، کیفری، خانوادگی، حسبی، اداری و حتی انتظامی الزامی است. اما آنچه جلوه گاه و محل نمود، ظهور و رؤیت حقوق شهروندان در دادرسی ها محسوب می شود، حق دادخواهی آنها در دادرسی های جزایی است. در مسائل کیفری به دنبال وقوع جرم، از یک طرف نظم جامعه مختل و حقوق بزه دیده، پایمال شده است و از طرف دیگر اعاده نظم جامعه و حقوق بزه دیده مستلزم تعیین و اعمال مجازات های بازدارنده و متناسب است؛ بنابراین دادرسی عادلانه، بی طرفانه و منصفانه ای که با در نظر گرفتن حقوق بزه دیده، به حقوق دفاعی متهم نیز توجه نماید و از اشخاص ثالث که در دادرسی جزایی وارد شده اند حمایت کند را می طلبد. (لطفی خاچکی، ۱۳۹۲)

تبصره ماده ۱۸۹ تحت نظر قرار گرفتن متهم بیش از ۲۴ ساعت بدون آنکه تحقیق از او شروع و یا تعیین تکلیف شود بازداشت غیرقانونی محسوب و مرتکب به مجازات قانونی محکوم می شود. ماده ۱۹۷ متهم می تواند سکوت اختیار کند در این صورت مراتب امتناع وی از دادن پاسخ یا امضای اظهارات در صورت مجلس قید می شود.

ماده ۲۱۳ تفهیم اتهام به کسی که به عنوان متهم احضار نشده از قبیل شاهد، یا مطلع ممنوع است و چنانچه این شخص پس از تحقیق در مظان اتهام قرار گیرد باید طبق مقررات و به عنوان متهم برای وقت دیگر احضار شود. تبصره ۲ ماده ۳۸۵ در جرایم مشهود هرگاه مرتکب طفل یا نوجوان باشد ضابطان دادگستری مکلفند نسبت به حفظ آلات و ادوات، آثار، علائم و دلایل جرم

اقدام نماید لکن اجازه تحقیقات مقدماتی از طفل یا نوجوان را ندارند و در صورت دستگیری وی موظفند متهم را حسب مورد فوری به دادسرا یا دادگاه اطفال و نوجوانان تحویل دهند انقضای وقت اداری و نیز ایام تعطیل مانع از رجوع به دادسرا یا دادگاه اطفال و نوجوانان نیست. (ساقیان، ۱۳۸۵، ص ۳۴)

برقراری نظم و امنیت و آسایش و مبارزه علیه بزهکاری در جامعه، بدون شناسایی و کشف جرم ممکن نیست. از آنجا که هدف اصلی مرحله کشف جرم، کشف حقیقت است، روند مطلوب این مرحله باید به گونه‌ای باشد که علاوه بر تأمین منافع جامعه، شهروند بی گناه را در اثبات بیگناهی‌اش بازی کند، و این مهم برآورده نمی‌شود مگر در سایه پلیسی علمی قانون مدار و شهروند محور.

از مهمترین وظایف پلیس و دستگاه قضایی در راستای تکالیف حاکمیت در قبال شهروندان مبنی بر تأمین حقوق و گفتمان شهروندی است. پلیس به‌عنوان نهاد برقراری نظام و امنیت و متولی کشف جرایم در عمل، وظیفه تضمین بخش مهمی از حقوق و گفتمان شهروندی نظیر حفاظت از جان، مال، حقوق و حفظ آزادی‌های فردی امنیت شهروندان را بر عهده دارد. (فتحی، ۱۳۸۸ ص ۸۷)

دستگاه قضایی و پلیس به‌عنوان نهادی جامعه محور دیگر از ابزارهای سنتی جهت برقراری نظم و امنیت استفاده نمی‌کند. با برقراری تعامل با ارکان مختلف جامعه و یا سهیم نمودن افراد آن، به هدف خود یعنی برقراری نظم و امنیت می‌رسد. چنین پلیسی به پلیس جامعه محور یا شهروند محور شناخته شده است.

در واقع مهم‌ترین مؤلفه پلیس جامعه محور، اتکا به تک‌تک شهروندان جامعه برای ایجاد نظم و برقراری امنیت در کنار حمایت از حقوق و آزادی‌های آنهاست. پلیس جمهوری اسلامی ایران با توجه به اقداماتی نظیر طرح نظارت همگانی ۱۹۷، راه‌اندازی واحدهای مشاوره و مددکاری اجتماعی در کلانتری‌ها، برگزاری همایش‌ها میزگردهای علمی مختلف، برگزاری نمایشگاه، ایجاد شهرک‌های ترافیکی در بوستان‌ها برای کودکان و خانواده‌ها، طرح گذربان مدرسه و همیار پلیس، از رویکرد جامعه محوری در برقراری نظم و امنیت سود می‌جوید. این رویکرد همان‌طور که اشاره شد به رویکرد شهروند محوری و حقوق بشری پلیس نزدیک‌تر است. (رحمدل، ۱۳۹۶ ص ۲۳۳)

دستگاه قضایی و پلیس در راستای حفظ نظم و امنیت شهروندان مسئولیت‌های مهمی را عهده‌دار است. از مهم‌ترین وظایف پلیس در حوزه حقوق و گفتمان شهروندی، وظایف در مقام ضابطیت قضایی است. پلیس در فرآیند دادرسی کیفری به‌عنوان ضابط عام، در مرحله تحقیقات مقدماتی وظیفه کشف جرم را بر عهده دارد. حفظ حقوق و گفتمان شهروندی ارتباط تنگاتنگی با اقدامات و تصمیمات ضابطین دارد و معمولاً اولین نهادی است که با بزه‌دیده، شهود و متهم روبرو می‌شود. سنگ بنای دادرسی عادلانه از همین مرحله شروع می‌شود که در آن همه کنشگران دعوی کیفری دارای حقوقی هستند. نادیده گرفتن آن‌ها از مهم‌ترین مصادیق نقض حقوق و گفتمان شهروندی محسوب می‌شوند. (آشوری، ۱۳۹۲ ص ۴۰)

۱- مفاهیم

۱-۱- مفهوم شهروند

شهروند خوب کسی است که حقوق فردی و جمعی خود را می‌شناسد، از آنها دفاع می‌کند، قانون را می‌شناسد، به آن عمل می‌کند و از طریق آن مطالبه می‌کند. او می‌داند که فرد دیگری هم حضور دارد و دفاع از حقوق او یعنی دفاع از حقوق خودش و فردی که در امور شهر مشارکت دارد. در کنار هر زندگی فردی، یک زندگی جمعی نیز وجود دارد و برای موفقیت در این نوع

زندگی، باید فردگرایی و منفعت‌طلبی تا حدودی مهار شود و اخلاق جمعی رواج یابد. شهروند کسی است که هم منافع خود و هم منافع دیگران را در نظر آورد و در سایه همکاری و همراهی با دیگران و پذیرش مسئولیت‌ها، شرایط بهتری را برای خویش و دیگران فراهم سازد. (هاشمی، ۱۳۸۴)

۱-۲- مفهوم شهروندی در حقوق ایران

انسان‌های ساکن و مقیم در یک کشور، اعم از اتباع و بیگانگان که در سرزمین یک دولت کشور و تحت حاکمیت آن هستند، شهروند خوانده می‌شوند. در واقع، شهروندی یک موقعیت فعالانه است، چرا که در مفهوم «شهروندی» همزمان حقوق و تکالیفی متناسب برای هر یک از شهروندان در نظر گرفته می‌شود. بر این اساس، شهروندی در عین حال که مجموعه حقوقی را برای شهروندان معین می‌کند و آنها را بدون استثنا از این حقوق بهره‌مند می‌داند، تکالیفی نیز برای آنها متصور می‌شود که باید به آنها بپردازند. از دیگر سو، این حقوق و تکالیف، لازم و ملزوم یکدیگرند و هیچ یک را نمی‌توان بدون دیگری تصور کرد. اما تعریف قانونی در خصوص تعریف شهروند که در بندی از قوانین باشد وجود ندارد. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۳ ص ۱۲۱)

۱-۳- مسئولیت‌های دولت در قبال شهروندان

دولت در برابر شهروندان خود تعهداتی دارد که باید به آنها عمل کند. حفظ کرامت انسانی، ارتباط با مردم، تلاش برای آبادانی، حمایت از اقشار آسیب‌پذیر جامعه، افزایش سطح درآمد و رفاه مردم، گردش سرمایه و جلوگیری از انباشت آن، تخصیص عادلانه منابع و امکانات و رعایت اولویت‌ها، برقراری امنیت و ایجاد نظم و انضباط اداری و همچنین صیانت از حقوق فردی، همگی از تعهدات دولت در قبال شهروندان است. بنابراین، دولت در مقابل شهروندان مسئولیت‌های بسیار پراهمیت و مهمی بر عهده دارد که اگر این مسئولیت‌ها درست اجرا شوند، شهروندان هم برای انجام دادن مسئولیت‌های خود تلاش بیشتری می‌کنند. (ملکی، ۱۳۸۵ ص ۱۴۰)

۱-۴- نقش یک شهروند فعال در بهبود بخشیدن کیفیت زندگی

یک شهروند زمانی می‌تواند در بهبود بخشیدن کیفیت زندگی شهری خود مفید باشد که از حقوق و گفتمان شهروندی خود اطلاع داشته باشد تا در ارائه داوطلبانه خدمات عمومی ایفای نقش کند و با آموزش حقوق و گفتمان شهروندی به دیگران به شکل‌گیری اجتماعات فعال و توانمند کمک کند. شهروندان فقط تا زمانی که از حقوق و گفتمان شهروندی خود آگاهی داشته باشند می‌توانند افرادی را که در پی نقض قوانین شهری و حقوق و گفتمان شهروندی هستند، به رعایت حقوق و گفتمان شهروندی و قوانین شهری وادار کنند. (لطفی خاچکی، ۱۳۹۲ ص ۱۲۰)

۱-۵- تاثیر شهروند فعال در حل و فصل مسائل اجتماعی

شهروندان می‌توانند در مباحثی چون کاهش جرایم، بازسازی و تامین مسکن، آموزش و فرهنگ سازی حقوق و گفتمان شهروندی و حفظ و رعایت بهداشت و نظافت پیرامون شهری خود و حل و فصل بعضی مسائل اجتماعی دیگر مؤثر باشند. در ضمن، با راه‌های گوناگونی همچون مراجعه به دادگاه و مراجع قضایی نیز می‌توانند با مشکلات و معضلات اجتماعی برخورد کنند. (فتحی، ۱۳۸۸ ص ۸۹)

۱-۶- نقش مشارکت شهروندان در حفظ حقوق و گفتمان شهروندی

گذشتگان می‌گفتند «حق گرفتنی است، نه دادنی.» بر این اساس، اگر شهروندان برای دفاع از حقوق و گفتمان شهروندی خود، از آن حقوق آگاهی داشته باشند و بر رسیدن به حقوق و گفتمان شهروندی خود پافشاری کنند، دولت چه در معنی قوه مجریه و چه در معنی حاکمیت، ناچار به تمکین و انجام دادن توقعات شهروندان می‌شود، ولی اگر شهروندان در حفظ حقوق و گفتمان شهروندی خود و کسب آگاهی درباره این حقوق کوتاهی انجام دهند، دولت هم در این زمینه دچار قصور و تقصیر می‌شود. بنابراین، نقش شهروندان در حفظ و صیانت از حقوق و گفتمان شهروندی یک امر ضروری است. (توحیدی، ۱۳۹۵ ص ۱۴)

۱-۷- حقوق و گفتمان شهروندی در فرآیند تحقیقات مقدماتی در قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲

حقوق و گفتمان شهروندی که عمدتاً از ضروریات جامعه بشری است و همه حکومت‌ها سعی در رعایت آن دارند، شاخص مهمی در تحقیقات مقدماتی محسوب می‌شود که نیازمند دقت و توجه لازم دست اندرکاران قضایی به ویژه در مرحله دادرسی می‌باشد. فردی که متهم به ارتکاب جرمی می‌شود نیازمند برخورداری از حقوقی است که یک شهروند در حالت عادی از آن بهره مند می‌باشد. در همین راستا حقوق کیفری در قالب مواد آیین دادرسی کیفری که متضمن حقوق افراد در مراجع قضایی است اقدام به ایجاد بنیادها و اصولی نموده است که هر یک به نوبه خود، در راستای حفظ حقوق متهم و احترام به آزادی او نقش بسزایی را ایفا می‌کنند. از جمله این اصول، اصل برائت، اصل تساوی سلاح‌ها، حق برخورداری از وکیل مدافع و احترام به حریم خصوصی افراد در مرحله دادرسی است و لذا ما در این نوشتار میکوشیم تا با بررسی هر یک از این حقوق و اصول پیش بینی شده در قانون آیین دادرسی کیفری، به رویکرد حقوق ایران و تضمینات سیاست جنایی پرداخته و دورنمای جایگاه حقوق و گفتمان شهروندی را در تحقیقات مقدماتی با تکیه بر قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ تشریح نموده ایم. بنابراین، قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ بدون تردید گام‌های مهمی را در راستای حقوق و آزادیهای فردی و کرامت انسانی بخصوص حقوق و گفتمان شهروندی به ویژه در مرحله تحقیقات مقدماتی برداشته است و این تحولات چیزی جز رعایت موازین حقوق بشری مندرج در اسناد بین‌المللی حقوق بشر و اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی نیست. (امیرزاده فرد، ۱۳۹۵: ۳)

۲- ماهیت حقوق و گفتمان شهروندی در پرتو دادرسی عادلانه و بی طرفانه

تحقق عدالت به معنای عام و عدالت کیفری به معنای خاص همواره در طول تاریخ آرزوی انسان عدالتخواه بوده و هست. بدیهی است عدالت کیفری- که هدف هر دادرسی جزایی است- بدون برقراری محاکمه‌ای منصفانه که در آن حقوق و آزادی‌های متهم محترم شمرده شود، هرگز فرصت ظهور نخواهد داشت. از عوامل توسعه حقوق کیفری در عصر حاضر، مفاهیم و معیارهای حقوق بشر است. این مفاهیم و معیارها که در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای شناسایی شده و مورد حمایت قرار گرفته‌اند، بویژه بر قوانین و مقررات ملی مربوط به آیین دادرسی کیفری تأثیر آشکار داشته‌اند. بارزترین جنبه چنین تأثیری حقوق متهم در برابر دادگاه است که به طور اجمالی عبارتند از: تساوی افراد در برابر دادگاه، محاکمه منصفانه و علنی در دادگاهی صالح، مستقل و بی طرف، تفهیم فوری و تفصیلی نوع و علت اتهام، حق حضور فوری در برابر دادگاه و محاکمه بدون تأخیر، حضور در دادگاه و دفاع شخصی یا توسط وکیل، مواجهه با شهود مخالف، دادن مترجم رایگان، منع اجبار به اقرار، جدایی آیین دادرسی اطفال از بزرگسالان، منع تجدید محاکمه و مجازات، تساوی افراد در برابر قانون، حاکمیت قانون بر نظام جرایم و مجازاتها، منع

تأثیر قوانین زیانبار در وقایع گذشته، منع شکنجه و آزار و اعمال مجازاتهای غیر انسانی، منع دستگیری و بازداشت خودسرانه، حق اطلاع فوری از علل دستگیری و بازداشت، حق رسیدگی به اتهام در مدت زمان معقول، حاکمیت پیش برائت، منصفانه بودن محاکمه، برخورداری از تضمین های دفاع، ضرورت حفظ شأن و شخصیت انسانی متهمان، لزوم جبران زیانهای وارد بر بازداشت شدگان یا محکومان بیگناه و حق درخواست تجدید نظر. منصفانه بودن محاکمه مفهومی ابهام‌آمیز است. متون و اسناد بین المللی موجود، تحقیقات و نهادهای ناظر بر اجرای آنها، ظاهراً تعریف مشخصی از آن به دست نداده اند. کمیسیون اروپایی حقوق بشر در سالهای ۱۹۹۸ و ۱۹۹۵ در دعاوی متعدد با این پرسش اساسی روبرو بوده که آیا مفهوم محاکمه منصفانه، متضمن تدابیر و تضمینهایی فراتر از آن است که در بند ۸ ماده ۲ (کنوانسیون) بند ۸ ماده ۱۱ میثاق (آمده است یا خیر؟ (ساقیان، ۱۳۸۵ص ۵۹)

۲-۱- حریم خصوصی و حقوق اساسی مردم و شهروندان

شناسایی، تعریف و تدقیق حریم خصوصی شهروندان در راستای حفظ و رعایت حقوق اساسی آنها، از نکات مثبت قابل ذکر در این قانون است. در همین رابطه، برابر ماده ۵۴ قانون جدید؛ "ورود به منازل، اماکن تعطیل و بسته و تفتیش آنها، همچنین بازرسی اشخاص و اشیاء در جرائم غیرمشهود، با اجازه موردی مقام قضایی است. هرچند وی، اجرای تحقیقات را به طور کلی به ضابط ارجاع داده باشد". از اینرو، ارجاع کلی مراتب به ضابطان دادگستری، ملازمه با ورود به حریم خصوصی اموال و اشیاء افراد و بازرسی نسبت به آنها نداشته و انجام هر یک از مراتب مزبور مستلزم صدور مجوز موردی در چهارچوب قانون از سوی مقام قضایی، اعم از دادستان یا سایر مقامات قضایی مربوطه بوده تا از هرگونه تعرض به حقوق و اموال مردم و نقض حریم خصوصی آنها، جز نسبت به موارد مقرر در مجوز موردی صادره، طبق ۵۶ آن قانون، برخلاف ترتیب معموله در سنوات قبل خودداری گردد. این درحالی است که طبق ماده ۱۸ قانون سابق، ضابطین دادگستری در جرائم غیرمشهود مکلف به اعلام مراتب برای کسب تکلیف و اخذ دستور لازم به مقام ذی صلاح قضایی بوده‌اند و تعریف و ترتیب مقرر نسبت به حریم خصوصی مردم و شهروندان در آن، به ترتیب فوق مقرر نشده بود (نجفی، ۱۳۹۳ص ۹۲)

۳- حق های تضمین کننده حقوق و گفتمان شهروندی در تحقیقات مقدماتی

حقوق و گفتمان شهروندی در گستره قضایی، جلوه های متعددی دارد که از جمله آنها می توان به حق برخورداری از وکیل، حق لزوم اطلاع از موضوع اتهام، حق سکوت و حق حفظ حریم خصوصی خود در مقابل دستاوردکاران عدالت کیفری، اشاره نمود.

۳-۱- حق برخورداری از داشتن وکیل مدافع

امروزه حضور وکیل در دادرسی به عنوان یکی از ارکان دادرسی عادلانه به شمار می‌آید. حضور وکیل متهم در دادگاه، از سویی تضمین منافع متهم است و ازتضییع اجتماعی حقوق وی جلوگیری میکند و از سوی دیگر، فرصت و امکانی که وکیل برای بررسی محتویات پرونده دارد، او را به مشاوره سودمند و همکاری موثر برای قاضی دادگاه تبدیل میکند. هر چند در طول تاریخ حقوق، استفاده از وکیل در مرحله تحقیقات متهمان هر که باشند «مقدماتی همواره با ایراداتی موجه بوده است. گام

نهادن در مسیر سیستم اتهامی، متهمین حق استفاده از وکیل را در مرحله تحقیقات مقدماتی و حتی در مرحله بازجویی توسط پلیس نیز پیدا کردند. (آشوری، ۱۳۹۲ ص ۸۱)

الف: حق داشتن وکیل

نظر به اهمیت نقش وکیل در دادرسیهای جزایی، در بسیاری از اسناد بین المللی حقوق بشر، حق داشتن وکیل به عنوان یکی از حقوق اساسی متهم در دادرسی مورد تایید قرار گرفته است. وکیل به معنای واقعی خود، کسی است که وکالت و نیابت اشخاصی که مسلط و آگاه به قواعد حقوقی نیستند را می پذیرد و در غیاب آنها از حقوق شان دفاع می کند. حق داشتن وکیل از تضمینات اساسی حقوق دفاعی متهم است. الزاماً شرکت وکیل در دادرسی متعدد است؛ از جمله با استفاده از دانش و آگاهی از موازین قانونی و حقوقی باعث تسریع و تسهیل در امر رسیدگی شود. همچنین حضور وکیل باعث سرعت ودقت در رسیدگی و عملکرد خوب مقامات قضایی شده سبب ارتقای علمی دانش حقوقی دستاورد کاران قضایی می شود. از طرح دعوای بیاساس وواهی به طور چشمگیری جلوگیری میکند و باعث خواهد شد که دعوی وشکوائیه به روال قاضی در دادگاه طرح شود. باعث قوت قلب، رفع اضطراب و اطمینان خاطر متهم در پاسخ به اتهامات وارده میشود. ضرورت تقسیم و تخصص ایجاب می کند که کار به کاردان در جهت دفاع از متهم سپرده شود. (زراعت، ۱۳۸۸ ص ۱۶۳)

ب: حق داشتن وکیل در کشف جرم

حق داشتن وکیل برای متهم از زمان کشف جرم تا اجرای حکم صادره، از مهمترین تضمینات حقوق دفاعی متهم است. عقل و انصاف حکم میکند که با پیچیده شدن مسائل حقوقی - به ویژه در امور کیفری که با آبرو و حیثیت و جان و عرض افراد در ارتباط است متهم بتواند در دفاع از خود که مستلزم آگاهی از قوانین و مسائل حقوقی است، از وجود وکیل مدافع برخوردار شود. وکیل با اتکا به اطلاعات و تجارب حقوقی خود و با استفاده از ضعف ادله و قرائن ارائه شده توسط ضابطین دادگستری، دادسرا و دادگاه و شاکی خصوصی و با ارائه دفاع موجه، موجب رفع اتهامات ناروا علیه او شود. شرکت وکیل مدافع در تحقیقات مقدماتی به طور اعم و بازجویی ها به نحو اخص، رافع سوء استفاده احتمالی مامورین انتظامی از اختیارات قانونی در خصوص جمع آوری ادله غیراصولی علیه متهم است. (امیرزاده فرد، ۱۳۹۵ ص ۱۳۲)

محرومیت از برخورداری از اطلاعات و آگاهی های قانونی و حقوقی وکیل مدافع در مرحله حساسی همچون مرحله کشف جرم که ضابطین دادگستری دارای اختیارات وسیعی هستند نه تنها ناقض تضمین پیش بینی شده در اسناد بین المللی حقوق بشر در بهره مندی متهم از حق داشتن وکیل مدافع است، نوعی باز گذاشتن راه سوءاستفاده ماموران از اختیارات خود در جمع آوری دلایل غیراصولی علیه متهم ناآگاه و بی اطلاع از موازین قانونی و حقوقی است. این خلأ قانونی در مواردی که متهم به دلیل عدم آشنایی با قوانین و مقررات مبادرت به اظهارات ناسنجیده می کند، بیش از پیش احساس می شود.

حق داشتن وکیل از تضمینات اساسی حقوق دفاعی متهم است و فلسفه وجودی این حق در مرحله تحقیقات مقدماتی از آنجا ناشی میشود که متهم در دفاع از خود در مقابل مقام تحقیق کننده که آشنا به مسائل حقوقی و قوانین است، بتواند از کمک افراد آگاه و متخصص برخوردار باشد تا بین او و مقام تحقیق به لحاظ اطلاعات و تجارب حقوقی و استفاده موثر از قانون، توازن برقرار شود. حضور وکیل مدافع نه تنها به لحاظ اطلاع و آگاهی از موازین قانونی و حقوقی در دفاع از اتهام انتسابی به متهم مفید است، بلکه باب هرگونه سوءاستفاده فرا قانونی را از ضابطین دادگستری و قضات در جمع آوری دلایل غیرحقوقی و

غیرقانونی سلب می کند. میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، مراجع رسیدگی کننده را موظف می کند که حق داشتن وکیل را به متهم اعلام دارند و وکیل مدافع متهم را در مراحل مختلف رسیدگی بپذیرند و مدافعات او را استماع کنند و در صورت عدم توانایی مالی متهم، برای او وکیل رایگان تعیین کنند. (امیرزاده فرد، ۱۳۹۵ ص ۷۲)

ج: لزوم رعایت حق داشتن وکیل و ارتباط آن با حقوق و گفتمان شهروندی

یکی از تضمین های اساسی به منظور تحقق حق دفاع متهم و اعمال اصل برابری سلاح میان طرفین دعوا، بهره مندی متهم از وکیل مدافع در همه در مراحل تحقیقات مقدماتی می باشد. اصول ۳۵ و ۳۷ قانون اساسی به لزوم حقوق طرفین دعوا توجه دارد. اصل ۳۵ اشعار می دارد دادگاه ها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند؛ باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد قانونگذار سابق در تبصره ذیل ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸، در سه مورد حضور وکیل در مرحله تحقیق را استثناء نموده و آن را منوط به تجویز دادگاه دانسته است. لکن قانونگذار در سال ۱۳۹۲ در تصویب قانون جدید بسیاری از اشکالات قانون سابق را اصلاح نمود در ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری، حقوق دفاعی متهم را لحاظ نموده است، که مقرر دارد متهم میتواند در مرحله تحقیقات مقدماتی یک نفر وکیل دادگستری همراه خود داشته باشد، این حق باید پیش از شروع تحقیق توسط بازپرس به متهم ابلاغ و تفهیم شود. چنانچه متهم احضار شود این حق در برگ احضاریه قید و به او ابلاغ میشود. وکیل متهم میتواند با کسب اطلاع از اتهام و دلایل آن، مطالبی را که برای کسب حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قانون لازم بداند، اظهار کند، اظهارات وکیل در صورت مجلس نوشته می شود. (آشوری، ۱۳۹۳ ص ۸۹)

۳-۲- حق مصونیت از الزام به بازجویی (حق سکوت)

حق سکوت از جمله حقوق و گفتمان شهروندی است درباره مفهوم حق سکوت، اتفاق نظر وجود ندارد؛ برخی معتقدند اصطلاح حق سکوت بیانگر مجموعه های از حقوق است که در مراحل گوناگونی از فرآیند عدالت کیفری مطرح میشوند (امیرزاده فرد، ۱۳۹۵ ص ۲۹) که عبارتند از: ۱- مصونیتی عام که همه اشخاص در برابر مجبور شدن ناشی از رنج مجازات به منظور پاسخگویی به پرسشهای ارائه شده توسط دیگران دارند؛ ۵- مصونیتی عام که همه اشخاص در برابر مجبور شدن ناشی از رنج مجازات به منظور پاسخگویی به پرسشهایی دارند که پاسخ به آنها باعث مجرم قلمداد شدن ایشان میشود؛ ۸- مصونیتی خاص که همه اشخاص مظنون به ارتکاب جرم، هنگام بازجویی توسط افسران پلیس و سایر افرادی که از چنان اقتداری برخوردارند، در برابر مجبور شدن ناشی از رنج مجازات به منظور پاسخگویی به هر نوع پرسشی دارند؛ ۱- مصونیتی خاص که متهمان تحت محاکمه در برابر اجبار به ارائه مدارک و مجبور شدن ناشی از رنج مجازات به منظور پاسخگویی به پرسشهایی که آنها را در جایگاه متهم قرار میدهد، دارند؛ ۲- مصونیتی خاص که افراد متهم شده به جرایم جنایی از ناحیه پلیس در برابر اجبار به پاسخگویی به پرسشهای اساسی ناظر بر جرم نسبت داده شده به آنها از سوی افسران پلیس و دیگر افرادی که از چنان اقتداری برخوردار هستند، دارند؛ ۲- مصونیتی خاص که متهمان تحت محاکمه در برابر برداشتهای نامطلوب از استنکاف ایشان در پاسخگویی به پرسشهای طرح شده قبل از محاکمه و یا ارائه مدارک حین محاکمه دارند (ملکی، ۱۳۸۵ ص ۶۱).

۴- ویژگیهای اصل بی طرفی در دادرسی

ویژگیهای زیر را می توان برای اصل بی طرفی برشمرد که موجب تمایز آن از سایر مؤلفه های دادرسی عادلانه می شوند:

هر چند دادرسی عادلانه در بیان حقوقی بیشتر به دادرسی کیفری اختصاص داده شده و به تبع آن دادرسی بی طرفانه نیز بیش تر متوجه دادرسی کیفری است، رعایت این اصل در دادرسی مدنی نیز لازم است. علت اهمیت بی طرفی در دادرسی کیفری این است که در اینجا از تقابل حقوق جامعه (دولت، حاکمیت) با حق ها و آزادی های فردی سخن می رود که باید در حفظ آنها بی طرفانه عمل کرد و به ویژه با نقض بی طرفی، حق های حاکمیت را بر حق های فردی اولویت نداد. (ناجی، ص ۳۵)

در دادرسی کیفری، به لحاظ عدم برابری واقعی طرف های دعوا و ضعیف تر بودن جایگاه حقوقی متهم نسبت به جایگاه دادستان یا شاکی خصوصی و بهره مندی دادستان از پشتیبانی هیأت حاکمه، به حق باید از بی طرفانه بودن دادرسی به تأکید سخن گفت؛

- اعمال و اجرای اصل بی طرفی به زمان وقوع عملی اختلاف و رسیدگی قضائی محدود نیست، بلکه دامنه این اصل به مقرراتی که برای اختلاف های بعدی طرفهای دعوا وضع شده و به وضعیت اختلاف آمیز میان دو طرف دعوا مربوط اند بی آنکه در عمل هنوز اختلافی روی داده باشد، تسری می یابد.

- بی طرفی در دادرسی کیفری ناظر به مقررات شکلی است. بنابراین، وضع مقررات ماهوی کیفری موضوع بحث نیست؛

- اصل بی طرفی برخلاف برخی از مؤلفه های دادرسی عادلانه مانند تفهیم اتهام. یا حق داشتن وکیل، مشترک میان طرفهای دعواست و نه فقط خاص متهم اینکه معمولاً از بی طرفی به منزله یکی از حق های دفاعی متهم سخن می رود، پیامد تلخ تاریخ گذشته دادرسی کیفری است که معمولاً در تقابل حق های دفاعی متهم با حق های جامعه، حق های جامعه بر حق های دفاعی متهم چیره شده و همیشه این ظن وجود داشته و دارد که حاکمیت حقایق دفاعی متهم را فدای حق های خود که چه بسا تأمل برانگیز نیز باشند، بکند؛

- در دادرسی کیفری، بی طرفی از دو بُعد بررسی می شود و به بی طرفی باید به منزله ویژگی و وصف نظام دادرسی کیفری نگریسته شود نه صرفاً ویژگی شخص دادرس.

بی طرفی دارای بُعدی قضائی است ناظر به بی طرفی دادرس صادرکننده حکم و همه اشخاص دخیل در پرونده که اظهارنظر آنان نقش مؤثر یا تعیین کنند های در حکم قضائی دارد (ضابطان دادگستری، گواهان، کارشناسان، وکیل دادگستری و مترجم).

منظور از بی طرفی قضائی آن نوع بی طرفی است که باید در فرایند عملی دادرسی اجرا شود و قلمرو زمانی آن از زمان شروع پیگرد دعوی عمومی است که تا پایان دادرسی و حتی صدور و اجرای حکم ادامه می یابد. این نوع بی طرفی یا نقض آن برای طرفهای دعوا ملموستر است. (رحمدل، ۱۳۹۶ ص ۲۳۱)

هر چند آثار بی طرفی دادرس به لحاظ قدرت او در صدور حکم قضائی و تعیین سرنوشت قضائی طرفها بیش از آثار بی طرفی اشخاص دخیل در پرونده (گواهان و مطلعان، کارشناس، وکیل تسخیری، ضابطان دادگستری و مترجم) است، از آنجا که نظر یا اظهارات این اشخاص نیز میتوانند مبنای صدور حکم دادرس باشند، نباید از بی طرفی این اشخاص یا کنترل و تضمین آن غافل ماند.

بعد دوم بی طرفی قانونگذارانه است. در این بُعد، از بی طرفی به مثابه وصف و ویژگی قانون شکلی سخن می‌رود؛ یعنی، قانونی که برای رسیدگی به اختلاف طرفهای دعوا وضع می‌شود، باید بیطرفانه و بی تبعیض باشد. ممکن است تصور شود که بی طرفی فرع بر وقوع عملی اختلاف میان دو یا چند طرف است و چون در مرحله قانونگذاری هنوز اختلافی ایجاد نشده، سخن از بی طرفی نابه جاست. ولی، این تصور پذیرفتنی نیست. بی طرفی به مرحله عملی قضا اختصاص ندارد. (آشوری، ۱۳۹۳ ص ۱۸۱)

هر چند در مرحله قانون نگذاری هنوز جرم یا اختلافی در عمل به وقوع نپیوسته، قوانین دادرسی برای رسیدگی کیفری که مستلزم اختلاف میان دو یا چند طرف است، وضع می‌شوند و هدف از وضع این مقررات، اجرای آنها در فرایند دادرسی عملی و پس از وقوع اختلاف است و این قوانین مستند و راهنمای رسیدگی عملی و تعیین کننده رفتار و گفتار و چه بسا حکم دادرسی اند. بی طرفی قانون گذارانه زمینه و مقدمه لازم برای بی طرفی قضائی است. به بیان دیگر، اگر پیش از وقوع عملی اختلاف و پیش از رسیدگی عملی کیفری، قوانینی جانبدارانه تنظیم شده باشد، خواه ناخواه دادرسی عملی نیز جانبدارانه خواهد بود. زیرا، مقررات دادرسی کیفری است که مستند قضاوت قرار می‌گیرند. با توجه به اصل قانونی بودن دادرسی، نقض بی طرفی در مرحله وضع مقررات دادرسی کیفری فرایند عملی دادرسی کیفری را چه بسا برخلاف میل باطنی دست اندرکاران قضا و مجریان قانون از مسیر و جاده بی طرفی بیرون می‌برد. (آشوری، ۱۳۹۲ ص ۱۹۲)

۴-۱- تأثیر بی طرفی ضابطان دادگستری بر حقوق و گفتمان شهروندی

نظر به اینکه کشف جرم، شناسایی و دستگیری و پیگرد متهمان و احراز دلیل مستلزم اقدامهای قضائی گسترده ای است و انجام همه این اقدامها از عهده دادرسی خارج است یا اینکه گاهی طبیعت جرم و اوضاع و احوال خاص ارتکاب آن مستلزم سرعت در شناخت و دستگیری متهم است و در هر زمان و مکانی فرصتی برای دخالت فوری مقام قضائی فراهم نیست، قوانین کشورهای مختلف با عنوانهای مختلف عد های افراد کارآموده و باتجربه را در کنار مقام قضائی گمارده تا از کی سو در شرایط خاص بتوانند بدون اجازه مقام قضائی اقدامهای لازم را برای کشف جرم و شناسایی و دستگیری متهم انجام داده و مراتب را به وی گزارش کنند و از سوی دیگر، به مثابه دستیار مقام قضائی دستورهای قضائی صادر شده را اجرا کنند. بدیهی است که چون اقدامها و گزارشهای این افراد که در ایران از آنان با عنوان ضابطان دادگستری یاد میشود، در رأی صادره نقش تعیین کننده دارد، بی طرفی آنان در انجام اقدامها و تنظیم گزارشها جزء مؤلفه های بیطرفی در نظام دادرسی کیفری است. (توحیدی، ۱۳۹۵ ص ۱۳)

نتیجه گیری

سابقه اصطلاح «حقوق شهروندی» در کشور ما به حدود یکصد سال پیش برمی‌گردد. از زمان ایجاد تمدن در ایران، از احترام به حقوق شهروندان به معنی آنچه امروز مدنظر است، خبری نبود. رعایت حقوق شهروندان از سوی دستگاه حاکم از آغاز انقلاب مشروطه شروع و به تدریج گسترش یافت و تا به امروز نیز با روند روبه رشد ادامه دارد و هیچ گاه متوقف نشده است. دادرسی عادلانه، نوعی اطمینان و تضمین است که دولت ها برای حفاظت و صیانت از شهروندان خود در مقابل هرگونه تجاوز و تعدی به حقوق فردی و اجتماعی آنان، ایجاد می‌کنند تا شهروندان در سایه ی این امنیت، بتوانند فعالیت های فردی و اجتماعی خود را در چارچوب قانون به انجام رسانند. در صورت وجود امنیت قضایی است که مردم می‌توانند اعتماد و اطمینان

برای عدم تعرض به حقوق شرعی و قانونی خود در جامعه داشته باشند و حکومت را به عنوان پشتوانه ای تلقی کنند که در صورت لزوم بتواند به عوامل ایجادکننده ناامنی پاسخ دهد و آنها را به موجب تعرضی که داشته اند، محاکمه کند. با توجه به آن که قانون آیین دادرسی کیفری تحولاتی را در مورد حقوق متهم ایجاد کرده است، اما باید به این نکته توجه داشت که در مرحله تحت نظر ضابطان دادگستری پس از تحت نظر قرار دادن اشخاص، مکلف به تفهیم حقوق آنان از قبیل حق تماس تلفنی با بستگان و حق ملاقات با وکیل شده اند. پیشبینی این حقوق بدون وجود ساز و کارهای لازم میتواند مشکلات بسیاری را در عمل برای دادسرا به ویژه ضابطان در پی داشته باشد. زیرا در شرایطی که هیچ مقرراتی وکیل شخص تحت نظر را از دادن اطلاعات مربوط به مطالعه صورت جلسات پرونده تحقیقاتی به اشخاص دیگر از قبیل شرکا و معاونین منع نمی کند، ضابطان در انجام تحقیقات خود و کشف جرم با مشکل روبه رو می شوند. در مرحله تحقیقات مقدماتی نیز، وکیل متهم حق دخالت فعال دارد و از حق دسترسی به پرونده کیفری به همراه موکل خود در تمامی مدت مرحله تحقیقات مقدماتی بهره مند شده است. هدف آیین دادرسی کیفری از یک سو تضمین دفاع از جامعه در برابر جرم و از سوی دیگر رعایت حقوق افراد بزه دیده در فرایند رسیدگی کیفری است. اگرچه نظام تفتیشی در مرحله تحقیقات مقدماتی به طور سنتی مدتها این توازن را به سود حقوق جامعه بر همزده است. از سوی دیگر برخی تحولات کشورهای دیگر که به ترافعی شدن مرحله تحقیقات مقدماتی و تساوی سلاحها میان طرفهای دعوا در این مرحله انجامیده است مورد نظر قانونگذار قرار نگرفته است. به عنوان مثال در موارد رد درخواست متهم برای انجام اقدام یا تحقیقی که به کشف حقیقت کمک می کند بازپرس به صدور قرار می مستدل که بتوان در مرجع بالاتر به آن اعتراض کرد ملزم نشده است. برآیند فرایند دادرسی متوجه حیات، آزادی، دارایی، حقوق و تکالیف شهروندان است و چنانچه تصمیمات و آرای قضایی تحت تأثیر عوامل بیرونی اتخاذ شوند، پشتیبانی از حقوق فردی و اجتماعی و تحقق عدالت قضایی به نوشته و شعاری بیش نخواهد ماند و سرانجام چنین جامعه ای برخلاف جامعه کافر اما عادل، نیستی خواهد بود. با چنین نگرشی است که در دیباچه قانون اساسی در باب قضا می خوانیم: «مسئله قضا در رابطه با پاسداری از حقوق مردم در خط حرکت اسلامی، به منظور پیشگیری از انحرافات موضعی در درون امت اسلامی، امری حیاتی است. از این رو، ایجاد سیستم قضایی بر پایه عدالت اسلامی و متشکل از قضات عادل و آشنا به ضوابط دقیق دینی پیش بینی شده است. این نظام به دلیل حساسیت بنیادی و دقت در مکتبی بودن آن لازم است به دور از هر نوع رابطه و مناسبات ناسالم باشد».

حفظ حیثیت و کرامات انسانی و حریم خصوصی و در مجموع حقوق شهروندی افراد و جوامع بشری همیشه ایام از دغدغه های مدعیان حقوق انسانها و همچنین زمامداران هر جامعه بوده است که به همین جهت و در راستای صیانت از کرامات انسانی قوانینی نیز در این فقره وضع گردیده است. در این میان آنچه که ارتباطی تنگاتنگ با فقرات مذکور دارد، موضوع دادرسی کیفری و به خصوص مرحله تحقیقات مقدماتی آن می باشد؛ چرا که در این مرحله ممکن است حریم خصوصی و کرامات انسانی افراد مورد تعرض و خدشه واقع گردد و چه بسا مبانی اولیه حقوق شهروندی و حقوق بشر نادیده انگاشته شده و شاهد این موضوع باشیم که حقوق اولیه و اساسی افراد در دستگاه عدالت قضایی مورد تعرض واقع گردد. به جهت اهمیت موضوع مذکور این مرحله حساس و سرنوشت ساز از فرایند دادرسی کیفری که اساس و بنیان هر دادرسی کیفری را تشکیل می دهد مورد کنکاش قرار گرفته و مبانی و اصول مربوط به آن در این مرحله می بایست مورد عنایت افراد دخیل در آن قرار گیرد. اصولی چون اصل برائت، اصل رعایت حریم خصوصی شهروندان و مانند آن که حافظ حقوق اساسی افراد در تحقیقات مقدماتی می باشد. بنابراین تکلیف افراد مذکور و دخیل در این مرحله (ضابطین و مراجع قضایی) است که حقوق افراد را مد نظر داشته و به عنوان متولی امر تحقیقات مقدماتی در حراست از آن سعی و کوشا باشند.

منابع و مآخذ

۱. امیرزاده فرد، شیده (۱۳۹۵) حقوق و گفتمان شهروندی در فرآیند تحقیقات مقدماتی در قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲ کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بین المللی کیش، گروه حقوق، جزیره کیش، ایران محل انتشار: کنفرانس پژوهش های نوین و مدیریت دانش در علوم انسانی
۲. آشوری، محمد، (۱۳۹۲) عدالت کیفری مجموعه مقالات، چاپ اول، تهران، گنج دانش.
۳. آشوری، محمد، (۱۳۹۳) آیین دادرسی کیفری، جلد اول، چاپ نهم، تهران، انتشارات سمت.
۴. توحیدی، احمدرضا رشیدی، مهناز استقلال و بی طرفی رسیدگی های قضایی در نظام کیفری بین المللی مجله حقوقی دادگستری، شماره ۹۵، پاییز ۱۳۹۵ صص ۱۳-۳۶
۵. رحمدل، منصور، وهاب، احمد حقوق شهروندی در فرآیند تحقیقات مقدماتی فصلنامه حقوق ملل، شماره ۲۵، بهار ۱۳۹۶ ص ۲۳۱
۶. زراعت، عباس، (۱۳۸۸) آئین دادرسی کیفری ایران با تکیه بر اصول و قواعد، چاپ اول، تهران، نشر دانش پذیر.
۷. ساقیان، محمدمهدی، (۱۳۸۵) اصل برابری سلاحها در فرایند کیفری با تکیه بر حقوق فرانسه و ایران، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۶ و ۵۷
۸. فتحی، محمدجواد دهقانی علی استقلال بازپرس در انجام تحقیقات مقدماتی و تاثیر آن در تحقق دادرسی عادلانه فصلنامه حقوق اسلامی، شماره ۲۰، بهار ۱۳۸۸ ص ۸۹
۹. لطفی خاچکی، سیروس، (۱۳۹۲) اصل برائت و اعمال آن در حقوق موضوعه کیفری ایران، رساله کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرمشناسی، تهران، دانشگاه آزاد واحد مرکزی.
۱۰. ملکی، رضا، (۱۳۸۵) اصل برائت و اعمال آن در حقوق موضوعه کیفری ایران، پایاننامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرمشناسی، تهران، دانشگاه آزاد واحد مرکز.
۱۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، (۱۳۹۳) تقریرات درس تاریخ حقوق کیفری، دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرمشناسی، تهران دانشگاه شهید بهشتی.
۱۲. هاشمی، سید محمد، (۱۳۸۴) حقوق بشر و آزادیهای اساسی، چاپ اول، تهران، نشر میزان.